

میدون و سوفیا

نامه سرگشاده به آقای قرائتی



✉ پوریا عالمی

● چهره تلویزیونی با لهجه شیرین کاشانی، روحانی محترم، آقای محسن قرائتی، سلام!

درست است که شما دیروز گفتی: «آخوندهای ما باید بلد باشند قصه بگویند؛ درحالی‌که فقط روضه می‌خوانند. مگر ما گاز اشک‌آوریم؟! چرا نباید مردم را بچندانیم؟» بنده همین‌جا می‌خواهم شکایت کنم. مسئله اصلی ما این است که انجمن صنفی و سندیکا در این مملکت نداریم وگرنه اگر سندیکای خنده‌درآرها و انجمن صنفی اشک‌درپیارها داشتیم، حتما من می‌رفتم شکایت می‌کردم به اتهام «تداخل صنفی!» همین الان شما کاری کردید که ما طنزنویس‌ها هرچی می‌نویسیم، مردم تا می‌خوانند، زارزار گریه می‌کنند. درواقع، شما هم می‌توانید از طنزنویس‌ها به اتهام تداخل صنفی شکایت کنید. یعنی یک طوری شده که مردم با حرف شما می‌خندند و با حرف ما اشکشان درمی‌آید. در پایان خواهشمندم یک معاهده بنویسیم و مرزبندی کارهایمان را مشخص کنیم تا دیگر تداخل صنفی پیش نیاید.

با احترامات فائقه

پوریا عالمی؛ اشک‌درآور خنده‌درپیار سابق تیر الاول ۱۳۹۷ خورشیدی

زیر آسمان جهان!

مبارزه با نگ

● زندگی با آسیبی که تعرض جنسی بر دختران یا زنان وارد می‌آورد طاقت‌فراس‌ست و آسیب‌دیدگان این اتفاق‌ها در هر گوشه جهان با توجه به آداب و رسوم و عقاید و اولویت‌هایشان درصدد هستند تا برای بهبود حال خود و دیگرانی‌مانند خودشان‌گام بردارند. کالین در اتیوپی نیزیکی از آنهاست. او از سال پیش به باشگاهی در همین رابطه در مدرسه‌اش پیوسته است؛ باشگاهی که دختران آسیب‌دیده را گرد هم آورده. بسیاری از اوقات دخترانی که مورد تعرض قرار گرفته‌اند، می‌ترسند در مورد آنچه برایشان اتفاق افتاده صحبت کنند. آنها به‌شدت تحت‌تأثیر جامعه هستند. جوامعی که معتقدند قربانیان عمدا خودشان را در معرض این تعرض قرار داده یا شاید سبب این اتفاق را فراهم کرده‌اند. او می‌گوید: «برای کمک به حل مشکل، همیشه سعی می‌کنم یک محیط دوستانه ایجاد و دختران را تشویق کنم که داستان خود را با من در میان بگذارند، بنابراین می‌توانم به آنها کمک کنم».

کالین ۱۴ساله داستان دانش‌آموزی را بازگو می‌کند که توسط معلمش مورد سوءاستفاده قرار گرفته است و پس از آن از سوی دوستانش طرد شده، زیرا فکر می‌کنند او خودش سبب این اتفاق بوده است. او حتی مجبور شد که خانه پدر و مادرش را به‌خاطر آنچه آنها «شرم‌ساری و ننگ» می‌نامیدند ترک کند. وقتی او به من گفت چه اتفاقی افتاده، به مدرسه گزارش دادم، مقامات مدرسه پرونده را پیگیری کرده و مرتکبان را مجازات می‌کنند. او هنوز چیز زیادی درباره جنیش #من هم همین‌طور نمی‌داند، اما می‌داند بعضی از افراد درگیر صنعت فیلم‌سازی، دختران را با وعده‌های دروغین فریب می‌دادند و اکنون آنان اعتراض خود را بیان کرده و این‌گونه به بیان گسترده آسیب‌ها و تعرض به آنان کمک کرده‌اند. به‌این‌ترتیب بعضی از افراد قدرتمند که از قدرت خود سوءاستفاده می‌کردند رسوا شدند. کالین ابراز امیدواری می‌کند این جنیش‌ها و حرکات مفید باشند، اما او که در آدیس‌آبابا، اتیوپی زندگی می‌کند معتقد است در کشورش قوانین مربوط به سوءاستفاده جنسی به اندازه کافی قوی نیستند. قوانین باید برای جلوگیری از آسیب‌های پیش‌آمده بر اثر جرائم این تجاوزها تغییر کنند و افراد حقوق‌دان در این زمینه تلاش بیشتری انجام دهند. نیاز به افزایش آگاهی اجتماع درباره این موضوع و نحوه کمک به دختران از دیگر فعالیت‌هایی است که باید برای آن تلاش کرد. در سال ۲۰۱۵، یونیسف به حمایت از وزارت آموزش‌وپرورش اتیوپی آمد و برای ایجاد یک کمه ملی در زمینه هشدار برای آگاهی از رفتارهای خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت در مدارس تلاش کرد سیستمی ایجاد کند. در این سیستم گزارش از خشونت و سوءاستفاده، افزایش کاتال‌های گزارش‌دهی؛ چه برای زنان و چه برای مردان از تلاش‌هایی هستند که می‌توانند نقش مهمی در مبارزه با خشونت مبتنی‌بر جنسیت داشته باشند.

پیشهاد

تکامل بیولوژیک



● فردا، پنجشنبه، دکتر «عبدالرحمن نجارحیم»، عصب‌شناس و عصب‌پژوه در شناخت اجتماعی، هنر و ادبیات، در نشستی درباره «ریشه‌شناسی تکامل بیولوژیک در فرهنگ» سخنرانی خواهد کرد. این نشست را که گروه روان‌شناسان و علوم تربیتی خانه اندیشمندان علوم انسانی برنامه‌ریزی کرده است، ساعت ۱۷ در خیابان استاد نجات‌اللهی، نیش ورشو، سالن حافظ برگزار می‌شود.

شرق روزنامه

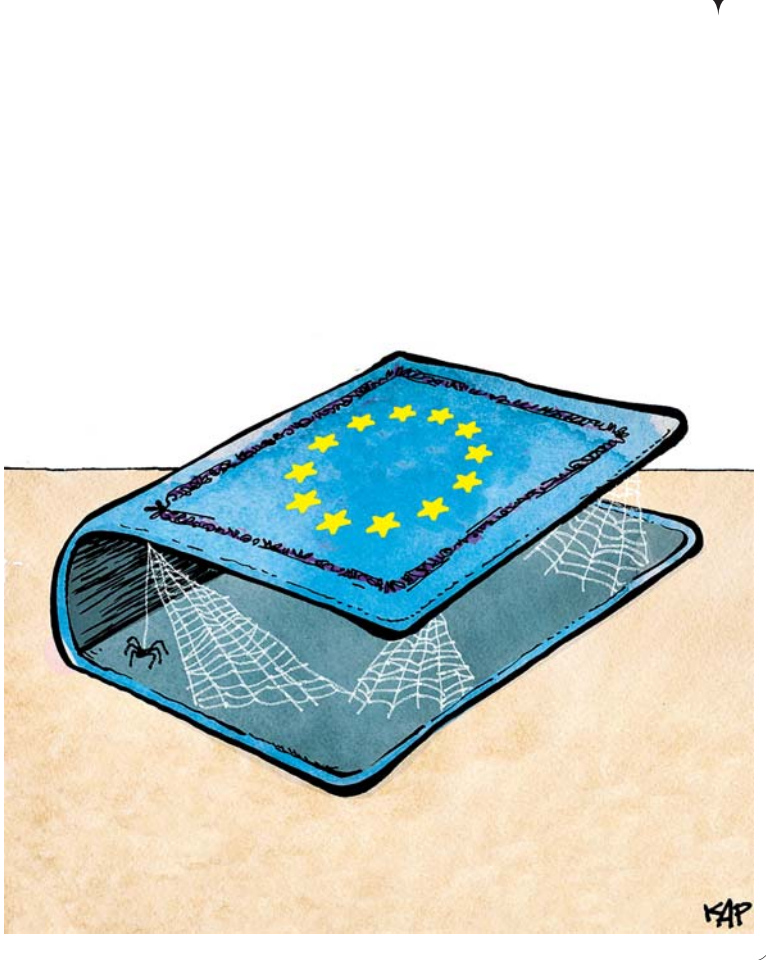
www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۲ تیر ۱۳۹۸ ۲۹ شوال ۱۴۴۰ ۳ جولای ۲۰۱۹ سال شانزدهم شماره ۳۴۶۵ ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ اذان مغرب ۲۰:۴۵ اذان صبح فردا ۴:۰۸ طلوع آفتاب ۵:۵۳

روزنفرها

کارتون خواب

جانومه کاپده ویلا



لزوم بازنگری و تفکیک وظایف سیستم‌ها



اکبر قراخانی‌بهار

سیستم‌های بازنشتگی در بعضی کشورها و از جمله کشور ما بر مبنای یک سیستم سنتی و قدیمی است که به «مزایای تعریف‌شده – پرداخت بر اساس وضع جاری» (Defined Benefits – Pay As You Go = DB-PAYG) معروف است. از این نوع پرداخت حقوق بازنشتگی غالباً با عنوان «پرداخت بین‌نسلی» نیز یاد می‌شود، به این مفهوم که از نسل جاری حق بیمه گرفته شود و برابر با میانگین حقوق ماهانه آخرین سال‌های زمان اشتغال، به عنوان حقوق بازنشتگی به بازنشتگان نسل قبل پرداخت شود. این سیستم به دلیل داشتن اشکالات ساختاری، با پیرشدن خود-عوارز گوناگونی پیدا می‌کند که نتیجه آن ناتوانی در پرداخت حقوق بازنشتسگان است. باید گفت که علاوه بر ساختاری‌بودن این مشکل، بالارفتن امید به زندگی و نیز وارونه‌شدن هرم جمعیتی (کاهش افراد جوان پرداخت‌کننده حق بیمه و افزایش روزافزون سالمندان مستمری‌بگیر) در دهه‌های اخیر، ابعاد آن را گسترش نیز داده است.

واقعیت این است که این سیستم‌ها زمانی ایجاد شده‌اند که امید به زندگی در حدود ۶۰ تا ۷۰ سال بوده و فرض می‌شده‌که فرد بازنشته بعد از بازنشتگی در حدود ۶۰سالگی، بتواند حدود ۱۰ سال از مزایای این سیستم برخوردار شود؛ به بیان ساده محاسباتی، مثلاً اگر کسی به مدت ۳۰ سال حدود یک‌سوم (شامل سهم شاغل و کارفرما) از حقوق دریافتی خود را به صورت حق بیمه پرداخت کرده، در طول بازنشتگی بتواند کل آن یک‌سوم‌های پرداختی در ۳۰ سال را در ۱۰ سال به صورت حقوق بازنشتگی دریافت کند؛ در صورتی که در حال حاضر بازنشتگانی وجود دارند که طول دوران بازنشتگی

آنها به اندازه کل زمان اشتغال و پرداخت حق بیمه و حتی بیشتر از آن است؛ این وضعیت در ابتدای پیدایش این قبیل سیستم‌ها قابل پیش‌بینی نبوده و در صورت قابل پیش‌بینی‌بودن نیز در ساختار و رفتار سیستم



مورد نظر لحاظ نشده



مینو بدیعی

۱۲تیرماه سال ۱۳۶۷ انکار، روزی گمنام در دل تاریخ است. روزی داغ، گرم و سوزنده، شاید بی‌حاصل. روزی که در طول سال‌ها و قرن‌ها فراموش می‌شود؛ نه چگونه زیادرفتنی است. آن روز، مثل همیشه تحریریه روزنامه، سرشار از حرکت، تلاش، پر از زنگ‌های تلفن‌های ثابت، سروصداهای ماشین‌های تحریر قدیمی و... پر از گام‌های خبرنگارانی بود که می‌آمدند و می‌رفتند و می‌گذشتند. تحریریه هیچ نشانی از تحریریه‌های امروز نداشت. همه خبرنگاران پشت دستگاه‌های رایانه و سیستم‌های خود نشسته باشند و سراسر اینترنت را جست‌وجو کنند تا کلامی خبر و گزارش بیابند. باید بدنبال گزارش و خبر می‌دویدی، اتاق خبر یا اتاق تلکس کنار تحریریه با هزاران کلمه‌ای که مخابره می‌کردند، تنها می‌توانستند برای خبرنگاران و مترجمان سرویس و یا گروه خارجه بیشتر قابل استفاده باشند اما سایر گروه‌ها، سرویس‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، شهرستان‌ها و گروه گزارش و... عقربه‌های ساعت تالار تحریریه لحظه‌به‌لحظه از زمان دریافت خبر می‌گذشت. تمام خبرها و رویدادهای روزانه تا نهایت ساعت ۱۱ باید به دست دبیران گروه‌ها می‌رسید که به‌سرعت ویراستاری شده و از آنجا به دست سرویس یا گروه فنی و مدیر آن رسانده شود تا ...

عقربه‌های ساعت تالار اندکی از ساعت ۱۰:۴۵ گذشته بود که ناگاه ولوله‌ای در تحریریه پیچید. دبیران گروه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، گزارش و... که در اتاق تیر بودند، از این اتاقک شیشه‌ای خارج شدند و...

خبرنگاری که حوزه فرودگاه و ایران‌ایر را داشت، با صدایی بلند با تلفن صحبت می‌کرد؛ چطور، چطور؟ برخورد موشک با ناو وینسنس که روی دریاهای ایران خلیج فارس و دریای عمان حرکت می‌کرد.

- چی خودتان خبر می‌دهید
تعداد زیادی خبرنگار و چند دبیر سرویس دور خبرنگار حوزه اجتماعی جمع شده بودند و دبیر

پشت تاریخ

در پرواز شماره ۶۵۵ تهران به دوبی چه گذشت؟

جنگ نابرابر موشک با هواپیمای مسافربری در آسمان

همکاری در یک گوشه تحریریه با مشّت به آرامی به میز می‌کوفت، اکیپ خبرنگاران و گزارشگران برای تهیه گزارش و خبر آماده می‌شدند. دوربین‌های عکاسی عکاسان و نوشتن برکه‌های مأموریت خبرنگاران و گزارشگران...

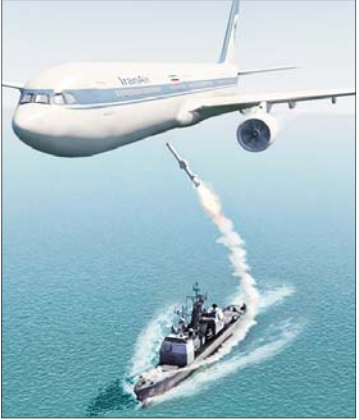
مثل چگونه می‌توان طاقت آورد. آیا همه سرنشینان هواپیما کشته شده‌اند. آن همکاری که با تلفن صحبت می‌کرد، دوباره خبرهای جدیدتر را دریافت می‌کرد و بلند تکرار می‌کرد؛ چی خلبان رضایسان از کاد‌های قدیمی پرواز ایران‌ایر، خب همکاران ما و خودم هم می‌خواهم ببایم، به کجا ببایم و...

مثل همه آن روزهای تیره‌وتار جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به‌عنوان یک گزارشگر علاقه‌مند بودم که به محل سقوط هواپیما در خلیج فارس اعزام شوم که بازهم بحث اینکه منطقه شاید بحرانی باشد و جای شما نیست و اینکه معلوم نیست چه اتفاقی پس از این بیفتد و اینکه شما باید در تحریریه باشید که به کارتان خیلی نیاز است، مانع شد ... و تا غروب و نزدیک شب که در روزنامه بودم و گزارش روز فردا را تهیه می‌کردم، منتظر خبر بودم که.... فردا ناگاه همه گزارش‌های خبری تکان‌دهنده و عکس‌ها و تصاویر جانکا به تحریریه روزنامه رسید.

ده‌ها پیکر تکه‌پاره شده در آب، جنازه‌های بادکرده، کودکانی که تکه‌ای از بدنشان مانده بود. سردخانه و سوله‌ای که انبوه پیکرهای پاره پاره را به آنجا منتقل کرده بودند. دریای خروشان‌ی که کودکان و مادرانشان را نه با مهربانی با بیرحمی دربر گرفته بود.

مرتضی کریمی‌ان که این روزها هرجا هست سلامت و موفق باشد، گزارش خبری تکان‌دهنده سقوط هواپیما و غرق شدن آن را نوشته بود؛ گزارشی جانکاه و دردآور و باورنکردنی از کودکان و مادرانی که در آب‌های نیلگون خلیج فارس سرگردان بودند. اجساد برهنه مردان که فشار آب آنها را تا نزدیک ساحل کشیده بود.

در تحریریه بغض روز قبل ترکیده بود و همه می‌گریستند. نسل ما چه اشک‌هایی را در تحریریه‌ها ریخت و از چه وقایع هولناکی گذشت. جنگ و بیرحمی محصول جهانخواران است نه مردمی آزاده و غیور که همیشه خواهان آزادی و دموکراسی، صلح و دوستی بوده‌اند...



گزارش

جامعه کم‌طبقاتی

آرام)، زمانی که نماینده می‌شود برای پرکردن گسست بین طبقه پایین و طبقات بالای جامعه و گاه برای سقوط آرام (فروپاشی آرام، کم‌شنوئت و کم‌اجار)، زمانی نماینده طبقات پایین می‌شود که در تعارض با دولت هستند. همین ابیاق دوگانه نقش، باعث تداوم آن در طول تاریخ شده و باعث شده گاهی قدرت بیشتری پیدا کند و گاهی دچار ضعف شود.

این جامعه‌شناس با اشاره به وضعیت کنونی طبقه متوسط یادآور شد: امروز ما با یک طبقه متوسط بزرگ و کم‌انرژی روبه‌رو هستیم؛ ساحت اقتصادی ضعیف و ساخت فرهنگی قوی که نتوانسته سرمایه اجتماعی قوی ایجاد کند. ارمکی در خاتمه سخنان خود افزود: از آنجایی که جامعه ایران را به لحاظ تاریخی بررسی می‌کنیم و به لحاظ ساختاری نیز آن را یک ساختار طبقاتی می‌دانیم، می‌توان هر سه طبقه را در جامعه ایران دید؛ با کمترین نقش طبقه پایین و نقش پررنگ طبقه متوسط. امروز باید از صورت‌بندی جدید طبقه متوسط سخن گفت؛ هم به لحاظ موقعیت اجتماعی آن

و هم نوع بازگرای که ایفا می‌کند و اگر امروز بخواهیم شمارش کنیم، متوجه می‌شویم که از تولد یا نقش‌آفرینی جدید طبقه متوسط در ایران سخن می‌گوییم.

به گزارش سایت پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات، در ادامه این برنامه، دکتر مراد تقفی با اشاره به مفهوم «طبقه متوسط جدید» و مقارن‌شدن آن با رویداد‌های تاریخی مهم در اروپا به خاستگاه تاریخی واژه «طبقه» و سیم افرادی مانند «فوشن مولر»، «هال واکس» و «ارندورف» در ایجاد آن اشاره کرد.



زیر آسمان

داده‌اند، جایگاه خود را در فرهنگ، آداب و رسوم یزدی باز کرده و تبدیل به عنصری جدانشدنی و شاخص در مراسم‌های مذهبی این شهر شده است. قهوه یزدی به دلیل نوع پخت طولانی و مسوا اولیه مصرفی با طبع یزدی بسیار سازگار است. جالب است که چنین نوشیدنی دلچسبی در مراسم سووم درگذشتگان در طول سالیان دراز به شکل یک سنت درآمده و بخشی از فرهنگ مردم یزد محسوب می‌شود. حالا قهوه یزدی به تازگی در فهرست آثار ناملموس کشور ثبت شده است، پس اگر گذارتان به این شهر افتاد، در کنار دیدار از میرچخماق و مسجدجامع و آتشکده‌ها، حتما برای خود زمانی در نظر بگیرید و هرطور شده خودتان را به یک قهوه یزدی میهمان کنید.

حالا خبر آمده است قهوه یزدی ثبت تاریخی شده است.

قهوه یزدی متفاوت است، نوعی قهوه سنتی و بومی در شهر یزد است که به جهت استفاده از هل، گلاب و نبات در تولید آن و همچنین مدت‌زمان پخت طولانی دارای طعم دلچسبی است. آن‌طور که سایت‌ها نوشته‌اند، با توجه به اسناد و مدارک شفاهی از زمان تولید قهوه یزدی موجود، قدمت تولید این نوع از قهوه به دوره قاجار می‌رسد. قهوه یزدی به جهت بومی‌سازی یک نوشیدنی غیرایرانی و قدیمی شاهی در تعاملات فرهنگی مردمان یزد است که هر عنصر جدیدی را با ذائقه و میل خود سازگار کرده و نوع جدیدی از این نوشیدنی را ساخته‌اند. این نوشیدنی در طول چند قرن‌ی که وارد ایران و یزد شده با تغییراتی که مردمان یزد در مراحل ساخت آن

یک فنجان قهوه

در تعطیلات نوروز دو سال پیش گذر فرهنگ و هنر در شهر یزد افتتاح شد؛ یک خیابان که می‌تواند مجموعه‌ای از اتفاقات فرهنگی باشد؛ هم گذشته و هم حال در کنار هم با زیبایی خاص خود و با کاشی‌هایی که یادآور گذشته است. حمای قدیمی که اکنون تبدیل شده به کارگاه خناسازی، سوغاتی‌ها و صنایع دستی یزد هم در گوشه‌ای دیگر است. آن طرف‌تر کتابخانه، این طرف‌تر کارگاهی برای نمایش عروسکی. هم رستوران است و هم قهوه‌خانه‌ای با همان فنجان‌ها و کاسه‌های معروف آبی. اما در میانه همه این هیاوهوا قهوه یزدی نیز هست. هر قهوه هزار، ۵۰۰ تومان. چقدر متفاوت و چقدر غلیظ و چقدر خوشمزه، هنر و قهوه در کنار هم.